

وابستگی قراردادهای در زمینه اعتبارات مصرفی حقوق فرانسه

دکتر عبدالرسول قدی

مقدمه

۱. **گروههای قراردادی (Les groupes de contrats)**. بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین و زیباترین پدیده‌های کنونی حقوق فرانسه ظهور گروههای قراردادی است. بررسی این گروهها که در آن دو یا چند قرارداد به یکدیگر وابسته اند از ابتدای دهه ۱۹۷۰ آغاز شد^۱ و همچنان در مطالعات گوناگونی تداوم یافت.

1. J. Carbonnier, Droit civil, T. IV, Les obligations, 20^e éd., PUF, Paris, 1996, p. 201.
2. R. Savatier, Les métamorphoses économiques et sociales du droit civil d'aujourd'hui, Première serie, Panorama des mutations, 3^e éd., 1964; G. Goubeaux, La règle de l'accessoire en droit privé, th. Nancy, 1966, L. G. D. J., 1969, préf. D. Tallon; Ph. Simler, La nullité partielle des actes juridiques, th. Strasbourg, L. G. D. J., 1969, préf. A. Weill; B. Teyssié, Les groupes de contrats, th. Montpellier, 1974, L. G. D. J., 1975, préf. J. M. Mousseron; D. Chedeville, La liaison entre contrats, th. Paris, 1977; C. Gabet-Sabatier, La connexité dans le droit des obligations, th. Paris, 1977; J. Néret, Le sous-contrat, th. Paris, 1977, L. G. D. J., 1979; D. Rambure Barathon, Le mandat accessoire d'une opération juridique complexe, th. Paris, 1981; G. Valentin, Les contrats de sous-traitance, th. Paris 1975, Litec 1979, préf. M. Pédamon; E.-M. Bey, De la symbiotique dans les leasings et crédit-bail mobiliers, 1970; G. Virassamy, Les contrats de dépendance, Essai sur les activités professionnelles exercées dans une dépendance économique, L. G. D. J., 1986, préf. J. Ghestin; M.-L. Izorche, La connexité entre les contrats conclus par un consommateur, Mémoire D. E. A., Droit privé, Aix-Marseille, 1984; M. Bacache-Gibleili, La relativité des conventions et les groupes de contrats, L. G. D. J.,

ولی امروز است که اهمیت و جایگاه آن در کتابهای حقوق تعهدات و قراردادهای روشن شده و مباحثی به انواع و نظام حقوقی آن اختصاص یافته است.^۲ پایان نامه دکتری آقای برنار تسییه (Bernard Teyssié) با عنوان «گروههای قراردادهای» که در ۱۹۷۵ منتشر شد سهم بسیار زیادی در شناساندن این گروهها به جامعه حقوقی فرانسه داشته است.^۳ در مطالعات ارزشمند این نویسنده گروههای قراردادی به دو دسته تقسیم شده اند. زنجیره های قراردادی و مجموعه های قراردادی.^۴

→
1996, préf. Y. Lequette; M. Cabrillac, Remarques sur la théorie générale du contrat et les créations récentes de la pratique commerciale, Etudes Marty 1978; J.-M. Leloup, La création des contrats par la pratique commerciale, in L'évolution contemporaine du droit des contrats, Journées René Savatier, 1985; J. Moury, De l'indivisibilité entre les obligations et les contrats, R. T. D. Civ. 1994, p. 255; J.-L. Aubert, A propos d'une distinction renouvelée des parties et des tiers, R. T. D. Civ. 1993, p. 263; J. Ghestin, Nouvelles propositions pour un renouvellement de la distinction des parties et des tiers, R. T. D. Civ. 1994, p. 777; G. Guelfucci-Thibierge, De l'élargissement de la notion de partie au contrat... à l'élargissement de la portée du principe de l'effet relatif, R. T. D. Civ. 1994, p. 275.

3. J. Carbonnier, op. cit., p. 201; J. Flour et J.-L. Aubert, Les obligations, vol. I, L'acte juridique, 7^e éd., Armand Colin, Paris, 1996, p. 338, n^o 468; Ph. Malaurie et L. Aynès, Droit civil, Les obligations, Editions Cujas, 1992, p. 379, n^{os} 691 et 692; T. VII, Les contrats spéciaux, Civils et commerciaux, 9^e éd., Paris, 1995, p. 19, n^{os} 8 et 9; B. Starck, H. Roland, L. Boyer, Obligations, 2. contrat, 5^e éd., Litec, Paris, 1995, p. 42, n^o 108; F. Collart Dutilleul, Ph. Delebeque, Contrats civils et commerciaux, 3^e éd., Dalloz, 1996, p. 32, n^o 33; J. Ghestin (sous la direction de), Traité de droit civil, Les obligations, Le contrat, formation, 2^e éd., par J. Ghestin, L. G. D. J., Paris, 1988, p. 1024, n^o 888; Traité des contrats, La vente, par J. Ghestin et B. Desché, L. G. D. J., Paris, 1990, p. 1058, n^o 1039.

4. B. Teyssié, th. précitée.

۵. در صورتی که بین چند قرارداد وحدت (Unité) به وجود آید، دکترین فرانسه از قراردادهای پیچیده (contrats complexes) یا قراردادهای مرکب (contrats mixtes) سخن به میان می آورد، ولی اذعان دارد که تمیز آن از گروههای قراردادی که عناصر آن وحدت نمی یابند دشوار است:

J. Ghestin, op. cit., Les obligations, p. 1024, n^o 888; Ph. Malaurie et L. Aynès, op. cit., Les contrats spéciaux, p. 19, n^o 8.

۲. **زنجیره‌های قراردادی (Les chaînes de contrats)**. در زنجیره‌ها، قراردادهای به لحاظ اشتراک در موضوع (*objet commun*) با یکدیگر وابسته اند. ماهیت و طرفهای قراردادهای تشکیل دهنده یک زنجیره می‌تواند یکسان یا متفاوت باشد. این قراردادهای یکی پس از دیگری منعقد شده و جایگزین هم می‌شوند.^۶ در نتیجه این وابستگی، چنانچه یکی از حلقه‌های این زنجیره نابود شود، نابودی حلقه‌های بعدی را باعث خواهد شد. یک زنجیره قراردادی می‌تواند از چندین قرارداد بیع به وجود آید که متوالیاً پیرامون یک موضوع مشترک مثلاً یک دستگاه اتومبیل منعقد می‌شوند. ابطال یا فسخ یکی از این قراردادها بر قراردادهای بیع پس از آن تأثیر خواهد گذاشت.^۷

۳. **مجموعه‌های قراردادی (Les ensembles de contrats)**. در مجموعه‌ها، قراردادهای به لحاظ اشتراک در هدف (*But commun*) به یکدیگر گره خورده اند. در ایجاد یک مجموعه، یکی از طرفهای قراردادهای تشکیل دهنده آن نقش کلیدی و محوری دارد (*Personnage central*). این طرف برای دست یافتن به هدف اقتصادی مورد نظر خود به انعقاد چندین قرارداد مبادرت می‌ورزد که وی را در ارتباط مستقیم با سایر طرف‌ها قرار می‌دهد. این هدف اقتصادی همان هدف مشترک است که قراردادهای یک مجموعه را به هم وابسته می‌سازد. قراردادهای سازنده یک مجموعه، برخلاف زنجیره، جایگزین یکدیگر نشده و در کنار هم قرار می‌گیرند.

آقای برنار نسییه هدف مشترک را علت (*la cause*) مجموعه‌های قراردادی به شمار می‌آورند که از سوی کلیه طرف‌های مجموعه شناخته و پذیرفته شده و وجود اقتصادی و حقوقی مجموعه‌ها بر آن استوار گردیده است: علت هر یک از قراردادهای به طور متمایز جنبه نوعی (*cause objective*) و علت هر مجموعه قراردادی جنبه شخصی (*cause subjective*) دارد. لذا، این نویسنده وابستگی

6. B. Teyssié, th. précitée, p. 39 et s., n^{OS} 69 et s.

7. Ibid, p. 146 et s., n^{OS} 274 et s.

8. Ibid, p. 95, n^{OS} 174 et 175.

قراردادهای یک مجموعه را ناشی از مفهوم علت شخصی می‌دانند.^۹ وابستگی قراردادهای یک مجموعه یا دو سویه و یا یک سویه است. هنگامی که قراردادها از لحاظ اهمیت برابرند، مثلاً در یک مجموعه متشکل از چندین قرارداد حمل و نقل،^{۱۰} وابستگی دو سویه است. در این حالت، قراردادها علت یکدیگر را تشکیل می‌دهند و دستیابی به هدف مشترک باید حاصل مشارکت جمعی کلیه آنها باشد. ولی هنگامی که یک یا چندین قرارداد به یک قرارداد اصلی می‌پیوندند، وابستگی یک سویه است.^{۱۱} در این صورت قرارداد اصلی علت قرارداد یا قراردادهای دیگر بوده، بی آن که عکس آن امکان‌پذیر باشد.^{۱۲}

در مجموعه‌های با وابستگی دو سویه، نابودی یکی از قراردادها باعث نابودی سایر آنها می‌شود. بطلان و فسخ هر قرارداد، قراردادهای دیگر را فاقد علت می‌نماید. بدین ترتیب، با محو شدن هدف مورد نظر ایجاد کننده مجموعه، کل مجموعه از بین خواهد رفت.^{۱۳} در مجموعه‌های با وابستگی یک سویه، با انهدام قرارداد اصلی سایر قراردادها علت خود را از دست داده و نتیجتاً منهدم می‌گردند. اما، بنابر دلایل منطقی و روشن، با نابودی یکی از قراردادهای غیر اساسی، قرارداد

9. Ibid, p. 34, n° 64 et p. 95, n° 76.

۱۰. ارسال کننده ای تمایل دارد که کالایی از نقطه الف به نقطه ب حمل شود. برای فرستادن آن انعقاد چندین قرارداد حمل و نقل ضروری است، چرا که جابجایی کالا باید از طریق جاده، راه آهن و هوا میان این دو نقطه انجام گیرد. همه این قراردادها که یک مجموعه را می‌سازند در تحقق هدف مشترک که همانا ارسال کالا به نقطه ب است سهیم هستند. هر قرارداد بدون مشارکت قراردادهای دیگر نمی‌تواند این هدف مشترک را عملی سازد. این هدف که علت این مجموعه را تشکیل می‌دهد موجب وابستگی کلیه قراردادهای حمل و نقل می‌شود:

Ibid, p. 102 et 103, n° 191-193.

۱۱. مجموعه متشکل از یک قرارداد قرض و یک قرارداد ضمان با وابستگی یک سویه بوده که در آن قرض قرارداد اصلی و ضمان قرارداد فرعی است. لذا، قرض علت ضمان می‌باشد ولی این قرارداد علت قرض نیست:

G. Goubeaux, th. précitée, p. 71, n° 40 et p. 72, n° 41.

12. B. Teyssié, th. précitée, p. 35, n° 66.

13. Ibid, p. 156, n° 298, p. 157, n° 302, p. 160, n° 309, p. 165, n° 317.

اصلی در اعتبار خود باقی خواهد ماند.^{۱۴}

۴. گروههای قراردادی و حقوق موضوعه. با این نگاه گذرا به نظریه

گروههای قراردادی به این نتیجه دست می‌یابیم که قراردادهای منعقد شده در کنار یکدیگر استقلال خود را از دست می‌دهند و به هم وابسته می‌گردند. پیام آقای برنار تسییه کاملاً مفهوم است: در گروههای قراردادی وابستگی باید جانشین استقلال شود. اما چگونه می‌توان این وابستگی را با حقوق موضوعه فرانسه هماهنگ نمود، چرا که در این حقوق اصل بر استقلال قراردادهای پایه‌گذاری شده^{۱۵} و لذا وابستگی قراردادهای در تضاد مستقیم با آن است هرچند که توسط مفاهیم اساسی و قابل قبولی چون مفهوم علت شخصی توجیه گردد. بنابراین، به خوبی درک می‌کنیم که حقوق موضوعه در پذیرش این موضوع مدت‌های زیادی از خود مقاومت نشان دهد. ولی به نظر می‌رسد آینده این تئوری که اکنون بازتاب وسیعی در ادبیات حقوقی فرانسه داشته و خطوط اصلی آن مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گرفته درخشان بوده و جایگاه خود را در اذهان روشن و دقیق حقوقی با قبولاندن واقعیت خود باز خواهد نمود.

رویه قضایی فرانسه با تأثیرپذیری از نظریه گروههای قراردادی، خود را با واقعیت وابستگی منطبق ساخته^{۱۶} و در زمانی نه چندان دور تصمیم گرفت که در

14. Ibid, p. 168, n° 325, p. 181, n° 353.

15. J. Carbonnier, op. cit., p. 201.

16. J. Mestre, Le principe de l'effet relatif à l'épreuve des groupes de contrats, R. T. D. Civ. 1986, p. 594, n° 4; Du principe de l'effet relatif et de sa relativité, R. T. D. Civ. 1988, p. 125, n° 10; L'entrée solennelle du sous-contrat dans la famille des ensembles contractuels, R. T. D. Civ. 1988, p. 741, n° 6; Du sous-contrat au groupe de contrats, R. T. D. Civ. 1989, p. 74, n° 6; P. Jourdain, Turbulences dans les groupes de contrats: la responsabilité contractuelle directe du sous-contractant et ses vicissitudes, R. T. D. Civ. 1988, p. 760, n° 1; Ch. Larroumet, L'action directe de nature nécessairement contractuelle et la responsabilité civile dans les ensembles contractuels, J. C. P. 1988, I, 3357; J. C. P. 1989, éd. C. et I., II, 15430; J.-L. Aubert, Responsabilité et groupe des contrats, Rép. Defrénois, 1989, art. 34470, p. 356; Ph. Rémy,

گروههای قراردادی، مسؤولیت طرفهایی که با یکدیگر وارد معامله نشده‌اند و در نتیجه از لحاظ قراردادی به یکدیگر مرتبط نیستند الزاماً جنبه قراردادی دارد و بدین ترتیب، وابستگی قراردادهای را پذیرفت. ولی در موضع خود توانایی مقاومت نداشت و ناچار گردید با سازگار ساختن خود با حقوق موضوعه این وابستگی را انکار نماید.^{۱۷}

دکترین نیز به نوبه خود، با آگاهی از ارزش گروههای قراردادی، از وابستگی قراردادهای استقبال به عمل آورد. در این خصوص می‌توان به دیدگاه استاد ژان کربونیه (Jean Carbonnier) استناد نمود که می‌نویسد این وابستگی براساس نظریه علت قابل توجیه است و متذکر می‌شوند که قراردادهای تشکیل دهنده یک گروه همانند تعهدات ناشی از یک قرارداد دو تعهدی (Contrats synallagmatiques) علت یکدیگر را تشکیل می‌دهند.^{۱۸} با وجود این، دکترین خاطر نشان می‌سازد که فعلاً حقوق موضوعه در وضعیتی نیست که بر این وابستگی آثار لازم را بار نماید و دلایل آن را چنین برمی‌شمرد: وابستگی با اصل نسبی بودن قراردادهای که در ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه بیان شده مغایرت دارد چون با گسترانیدن آثار یک قرارداد به شخص ثالثی که در واقع طرف قرارداد دیگر است، این اصل کارآیی خود را در گروههای قراردادی از دست می‌دهد؛ وابستگی پیش‌بینی‌های قراردادی مشروع طرف‌های یک گروه را دگرگون می‌نماید؛ طرف‌های بهره‌مند از وابستگی به زیان طرف‌های دیگر پیش‌بینی‌های مشروع خود را گسترده می‌یابند؛ وابستگی حدود این گستردگی را مشخص نمی‌کند؛ وابستگی به حکومت اخلاق در امور تجارتي آسیب می‌رساند.^{۱۹}

L'action du créancier contre le tiers substitué dans l'exécution d'une obligation contractuelle est nécessairement contractuelle, R. T. D. Civ. 1988, p. 551, n° 3.

17. Ph. Malaurie, L. Aynès, op. cit., Les contrats spéciaux, p. 20, n° 9; J. Flour et J.-L. Aubert, op. cit., p. 338, n° 468.

18. J. Carbonnier, op. cit., p. 203.

19. J. Flour et J.-L. Aubert, op. cit., p. 339, n° 469.

ناهماهنگی وابستگی قراردادهای با حقوق موضوعه ایجاب می‌کند که طرف‌های قراردادهای تشکیل‌دهنده یک گروه براساس شروط قراردادی، ارتباط لازم را بین قراردادهای خود پدید آورند. ولی بی‌تردید، راه‌حل مطلوب‌تر وابستگی قانونی است. به همین جهت است که قانونگذار فرانسه با عبور از مانع ایجاد شده توسط اصل استقلال قراردادهای، با الهام گرفتن از نظریه گروه‌های قراردادی و با توجه به مواضع دکترین و رویه قضایی درباره فروش‌های اعتباری، بر وابستگی قراردادهای در زمینه اعتبارات مصرفی که موضوع این نوشتار است^{۲۰} مهر تأیید زد و به دیدگاه‌های آقای برنار تسیه به حق قوت بخشید.

۵. آیین‌نامه‌های ۲۰ مه ۱۹۵۵^{۲۱} و ۴ اوت ۱۹۵۶ راجع به فروش‌های

اعتباری.^{۲۲} اندیشه برقراری وابستگی قراردادهای در زمینه اعتبارات مصرفی درست چند سال پس از تصویب و اجرای آیین‌نامه ۱۹۵۵ و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۹۵۶ شکل گرفت.

مقررات این آیین‌نامه‌ها که اساساً ماهیت اقتصادی و پولی داشته و از خریداران در مقابل خطرات اعتبار حمایت می‌کنند دو هدف مهم را دنبال می‌نمایند. هدف نخست حفظ رونق اقتصاد ملی است، زیرا اعتبارات اعطایی به مناسبت فروش‌های اعتباری نه تنها باعث توسعه اقتصادی می‌شوند بلکه خطر افزایش قیمت‌ها و پیدایش تورم را نیز فراهم می‌سازند. هدف دوم این است که تحصیل اعتبار بدهکاری زیاده از حد خریداران را موجب نشود، چون آنها توانایی ارزیابی امکانات مادی خود را به درستی ندارند و می‌توانند به خریدهای نسنجیده مبادرت ورزند.^{۲۳}

20. L'interdépendance des contrats dans le domaine du crédit à la consommation en droit français.

21. D. 1955, lég., p. 249.

22. D. 1956, Lég., p. 280.

23. G. Farjat, Droit économique, 1982, p. 448; G. Cas et D. Ferrier, Traité de droit de la consommation, PUF, 1986, p. 491, n° 566; G. Ripert et R. Roblot, Traité de droit commercial, T. II, 15^e éd., par Ph. Delebeque et M. Germain, L. G. D. J., Paris, 1996, p. 639, n° 2517.

آیین نامه ۱۹۵۵ امکان محدودیت میزان و مدت اعتبارات اعطایی به مناسبت فروش های اعتباری را پیش بینی کرده و آیین نامه ۱۹۵۶ حق اعمال این محدودیت را برای شورای ملی اعتبار (Conseil national du crédit) قائل شده است.

بنابراین، مطابق این آیین نامه ها که از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند، شورای ملی اعتبار می تواند تصمیم بگیرد که حداکثر میزان اعتبارات اعطایی به خریداران نباید از درصد خاصی از ثمن نقد مال فروخته شده و حداکثر مهلت بازپرداخت آن نباید از مدت معینی تجاوز کند. البته همچنین شورا می تواند تصمیم بگیرد که این اعتبارات فارغ از هرگونه محدودیت باشند.

از ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۹، این شورا، با عنایت به اوضاع و احوال اقتصادی و ماهیت اموال، به موجب تصمیمات متعددی، محدودیت هایی برای میزان و مدت اعتبارات اعطایی در نظر گرفت و این محدودیت ها را در برهه هایی که اقتصاد شکوفا بود خفیف و در برهه هایی که تورم زا بود شدید می نمود. در نتیجه، افزایش مبلغ و مدت اعتبار موجب سرعت گرفتن فعالیت اقتصادی و کاهش مبلغ و مدت اعتبار باعث کند شدن آن می شد.^{۲۴}

در ۱۹۷۹، شورای ملی اعتبار، به موجب تصمیم مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۹،^{۲۵} در هماهنگی با سیاست آزادگرایی اقتصادی دولت وقت، برای ایجاد رقابتی گسترده بین مؤسسات اعتباری و مختار گذاشتن آنها در تعیین حداکثر میزان و مدت اعتبار، محدودیت های قبلی را حذف نمود و دیگر هم فرصت نیافت تصمیم تازه ای

24. M. Vasseur, Droit et économie bancaires, Les opérations de banque, Fasc. III, Crédits aux particuliers, Garanties de remboursement, Ressources des banques, Les Cours de droit, 1988, p. 1137.

25. D. 1979, Lég., p. 189.

در خصوص شرایط اعتبار اتخاذ نماید. به گمان بسیاری از حقوقدانان،^{۲۶} چنانچه موقعیت اقتصادی ایجاب کند، کمیته مقررات بانکی (Comité de la réglementation bancaire) که از ۱۹۸۴ در تعیین شرایط اعتبارات اعطایی جایگزین شورای ملی اعتبار شده است،^{۲۷} می تواند دوباره محدودیت هایی در میزان و مدت این اعتبارات به وجود آورد.

محدودیت های ایجاد شده توسط شورای ملی اعتبار قلمرو گسترده ای یافتند. اعتبارات دریافتی توسط مصرف کنندگان و در برخی موارد توسط صاحبان حرف، برای تهیه اموال مورد نیاز خود مشمول آن شد.^{۲۸}

این محدودیت ها شرایط لازم برای صحت فروش های اعتباری بودند و اعتبار دهنده اعم از فروشنده یا مؤسسه اعتباری می بایستی آن را رعایت می کرد. به همین جهت، تخلف از حداکثر میزان و مدت اعتبار موجب بطلان این قراردادها می شد. رویه قضایی قابل توجهی در خصوص بطلان فروش های اعتباری و آثار ناشی از آن به بار نشست و با راه حل های خود به نظریه عمومی بطلان قراردادها غنا بخشید.^{۲۹}

26. Ph. Malaurie, *Crédit mobilier*, Encycl. Dalloz, Rép. dr. com., 1981, n° 11; M. Vasseur, op. cit., p. 1129; G. Cas et D. Ferrier, op. cit., p. 368, n° 349; G. Ripert et R. Roblot, op. cit., p. 639, n° 2517; J. Audier, *La responsabilité civile et pénale du dispensateur de crédit au consommateur*, in *Le droit du crédit au consommateur*, sous la direction de I. Fadlallah, 1982, p. 178, n° 4.

27. G. Ripert, R. Roblot, op. cit., p. 338, n° 2231.

28. Riom, 17 nov. 1967, R. T. D. Com. 1968, p. 743, n° 4, obs. J. Hémar; Cass. com., 3 juill. 1978, R. T. D. Com. 1969, p. 143, n° 4, obs. J. Hémar; Cass. com., 6 oct. 1981, G. P. 1982, Panor., p. 120.

29. Cass. com., 11 mai. 1976, Bull. civ. 1976, IV, n° 162, p. 137; Cass. com., 15 mars 1976, Bull. civ. 1976, IV, n° 100, p. 84; Cass. com., 11 déc. 1978, Bull. civ. 1978, IV, n° 305, p. 251; Cass. com., 17 oct. 1977, Bull. civ. 1977, IV, n° 234, p. 198; Cass. civ. 2^e, 21 juin 1978, Bull. civ. 1978, II, n° 115, p. 129; Cass. com., 18 nov. 1974, D. 1975, J., p. 625, note Ph. Malaurie; Cass. com., 21 juill. 1975, D. 1976, p. 582, note E. Agostini et P. Diener. Cass. com., 11 mai 1976, Rép. Defrénois 1977, art. 13343, p. 393, n° 8, obs. J.-L. Aubert.

راه حل‌های رویه قضایی در مواردی که اعتبار دهنده شخصی غیر از فروشنده است از اهمیتی دوچندان برخوردارند. چون در این موارد، خریدار برای دستیابی به مال مورد نیاز خود ملزم به تشکیل دو قرارداد است. یکی قرارداد قرض که با قرض دهنده منعقد می‌کند و دیگری قرارداد بیع که با فروشنده می‌بندد. در واقع خریدار ایجاد کننده یک گروه قراردادی متشکل از قرارداد بیع و قرض است که فروش اعتباری نامیده می‌شود.

بطلان قرارداد بیع در این گروه قراردادی باعث شد که رویه قضایی پیش از پرداختن به مسأله استرداد متقابل ثمن و مبیع، تأثیر این بطلان را بر قرارداد قرض مشخص نماید و روشن کند که آیا این دو قرارداد به هم وابستگی دارند یا نه. رویه قضایی با اعلام اصل استقلال قرارداد قرض نسبت به بیع پذیرفت که بطلان بیع هیچ گونه تأثیری بر قرض نداشته و خریدار اعتبار گیرنده بایستی تعهدات ناشی از این قرارداد را انجام دهد.^{۳۰} همین اصل را نیز در صورت عدم اجرای بیع تأیید نموده و بیان کرد که عدم تحویل مبیع یا معیوب بودن آن هیچ گونه تأثیری بر قرض نخواهد گذاشت.^{۳۱}

بخش مهمی از دکترین، اصل استقلال قرارداد قرض را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و آن را غیر عادلانه خواند، چون حفظ اعتبار این قرارداد پس از بطلان و یا عدم اجرای بیع هیچ گونه فایده‌ای برای خریدار ندارد؛ او ملزم است به تعهدات خود در مقابل قرض دهنده عمل نماید در حالی که به هدف خود که همانا بدست آوردن مبیع بوده نرسیده است. دکترین خاطر نشان ساخت که این دو قرارداد باید سرنوشت مشترکی داشته باشند؛ در مرحله انعقاد و اجرا در اذهان فروشنده و خریدار و قرض دهنده به یکدیگر گره خورده‌اند. لذا، تلاش نمود تا با استناد به برخی مفاهیم حقوقی همچون مفهوم علت، وابستگی بین قرارداد قرض و بیع را

۳۰. برای نمونه رک:

Cass. com., 21 déc. 1981, Bull. civ. 1981, IV, n^o 451, p. 361.

۳۱. برای نمونه رک:

Cass. civ. 1^{re}, 20 nov. 1974, J. C. P. 1975, II, 18109, obs. J. Calais-Auloy.

مطرح ساخته و رویه قضایی را تشویق به شناسایی این وابستگی نماید.^{۳۲} کوشش‌های دکترین بی نتیجه نماند، زیرا رویه قضایی، خود نیز به این واقعیت پی برد، و در بعضی موارد، مواضع شدید خود را رها نموده و نوعی ارتباط را بین این دو قرارداد ترسیم نمود. به ویژه با ابطال همزمان بیع و قرض، تصمیم گرفت که قرض دهنده می‌تواند برای دریافت مبلغ قرض به جای مراجعه به خریدار، طرف قراردادی خود، مستقیماً به فروشنده که با وی رابطه قراردادی ندارد رجوع کند.^{۳۳} بدین ترتیب، زمینه برای دخالت قانونگذار فراهم گردید. قانون ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸، با ایجاد ارتباط بین قرارداد اعتبار و قراردادهایی که به کمک آن تأمین مالی می‌شوند به اصل استقلال قرارداد قرض در فروش‌های اعتباری اموال مصرفی به طور گسترده‌ای خاتمه داد.

۶. قانون ۱۰ ژانویه ۱۹۷۸ راجع به آگاهانیدن مصرف‌کنندگان و حمایت از آنها در زمینه برخی عملیات اعتباری.^{۳۴} مدت زیادی بود که مصرف‌کنندگان فرانسوی در این انتظار بسر می‌بردند که مقررات جامعی حمایت از آنها را در طیف وسیعی از عملیات اعتباری پیاده نماید. قانون ۱۹۷۸ این خواسته را تنها در زمینه اعتبارات مصرفی جامه عمل پوشاند.

اعتبارات مصرفی به اعتباراتی گویند که گیرنده آن برای رفع نیازهای

32. G. Cornu, R. T. D. Civ. 1979, p. 144, n^o 1; Regards sur le titre III du Livre III du Code civil, Cours D. E. A. droit privé, Paris II, 1976-1977, p. 160; Ch. Larroumet, note sous Cass. com., 4 fév. 1980, D. 1980, I. R., p. 656; J.-J. Burst, La nullité des ventes à crédit pour dépassement du crédit autorisé, D. 1980, Chron., p. 65; J.-Ch. Laurent, Brèves observations sur la cause d'un prêt, G. P. 1975, I, Doct., p. 365; D. Chedeville, th. précitée, p. 208, n^o 194; B. Teyssié, th. précitée, p. 179, n^o 350; J. Calais-Auloy, note précitée, sous Cass. civ. 1^{re}, 20 nov. 1974; A. Sayag, Ventes à crédit mobilières, 1983, J.-Cl. Consommation, fasc. 940, n^o 116.

33. Cass. com., 19 nov. 1974, Arrêt précité; Cass. com., 21 juill. 1975, Arrêt précité.

34. La loi n^o 78-22 du 10 janv. 1978 relative à l'information et à la protection des consommateurs dans le domaine de certaines opérations de crédit, D. 1978, Lég., p. 84.

شخصی و خانوادگی و نه حوائج حرفه ای از آن استفاده می نماید.^{۳۵} قانون ۱۹۷۸ گیرنده این اعتبارات را در سرلوحه خود مصرف کننده نامیده و در متونی که پیش بینی می کند از او به قرض گیرنده یاد می برد. در واقع، این شخص مصرف کننده اعتبار است، مصرف کننده ای که با دریافت آن برای دستیابی به کالاها و خدمات مورد نظر خود می کوشد.

در گذشته ای نه چندان دور مراد بیشتر قشرهای اجتماعی فرانسه پس انداز قسمتی از درآمد خود بود و مخارج خود را به ترتیبی تنظیم می کردند که از حدود این درآمد فراتر نرود.^{۳۶} و اعتقاد بر این بود که هر کس یک چهارم درآمد خود را ذخیره نکند جنایتکار است.^{۳۷} امروز این دیدگاهها رها شده اند. اشخاص نه تنها درآمد حاضر خود را هزینه می کنند بلکه از درآمد آینده خود نیز مصرف می نمایند. اعتبارات مصرفی این تحول را آفریده اند.

این اعتبارات که میزان آن در پایان ۱۹۸۸ بالغ بر ۳۰۶ میلیارد فرانک بود،^{۳۸} نیازهای گوناگون مصرف کنندگان را برآورده می سازد: خرید اتومبیل، تلویزیون، یخچال، اجاق گاز، لوازم تجهیز آشپزخانه ... و تحصیل انواع خدمات از قبیل تعمیر اتومبیل، معالجه های پزشکی، مشاوره های حقوقی ... بنابراین، اعتبار گره گشاست. کافی است که مصرف کننده به آن رو آورد. جامعه مصرفی نیز او را به این کار تشویق می کند. بی خود نیست که گفته اند: «اعتبار هزار بار بیش از همه

35. J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, Droit de la consommation, 4^e éd., Dalloz, Paris, 1996, p. 309, n^o 298.

36. B. Bouloc, Aspects juridiques de la vente à crédit, Cah. dr. entreprise 1973, p. 2, n^o 2.

37. F. Falletti, La vente à crédit des biens de consommation, Litec, Paris, 1981, préf. J. Azéma, p. 2.

۳۸. این تازه ترین رقمی است که به آن دسترسی داشته ایم:

G. Ripert et R. Roblot, op. cit., 1996, p. 524, n^o 2429-4.

بی گمان، در پایان ۱۹۹۸ میزان اعتبارات مصرفی باید بسیار بیش از این باشد.

کان‌های طلای جهان به بشریت خدمت کرده است».³⁹

اما اعتبارات مصرفی خطرآفرین نیز هستند: مصرف‌کننده را در دام‌های گسترده خود گرفتار می‌کنند؛ خواسته‌های او را به صورت کاذب می‌افزایند؛ نیازهای فعلی او را بزرگ جلوه می‌دهند؛ او را از تلاش برای پس‌انداز به منظور برآوردن نیازهای خود باز می‌دارند. بدین ترتیب، مصرف‌کننده تسلیم‌جذبه‌های این اعتبارات می‌شود و تعهدات خود را در مقابل اعتباردهنده ناچیز می‌انگارد. ولی طولی نخواهد کشید که تاریخ اجرای این تعهدات فرا خواهد رسید و در آن زمان است که در صورت عدم توانایی پرداخت، خود را با انبوهی از مشکلات از جمله اقدامات قضایی اعتباردهنده مواجه خواهد دید.⁴⁰

به همین جهت، قانون ۱۹۷۸، با نظام حمایتی ویژه خود، برای تأمین منافع مصرف‌کننده اعتبار و حمایت از او در مقابل طرف قوی خود یعنی اعتباردهنده که از امکانات مالی و تکنیکی بالایی برخوردار است، پا به عرصه هستی گذاشت. ولی، برخلاف آیین‌نامه‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶، این بار هدف از تصویب این قانون صرفاً حمایت از مصرف‌کننده در مقابل خطرات اعتبار بوده و مقاصد اقتصادی و پولی دنبال نشده‌اند.

قانون ۱۹۷۸ از لحاظ قلمرو اجرایی در مقام مقایسه با آیین‌نامه‌های مذکور از دو جهت متحول شده است. نخست، عملیات اعتباری مشمول قانون متنوع بوده و فروش‌های اعتباری بخشی از آن را تشکیل می‌دهد. سپس، اعتبارگیرنده مورد نظر قانون نمی‌تواند از آن برای تأمین نیازهای حرفه‌ای خود استفاده کند در حالی که خریدار اعتباری مشمول آیین‌نامه‌ها می‌تواند از اعتبارات اعطایی برای رفع برخی از این نیازها بهره بگیرد.

39. J. Thyraud, Rapport présenté à propos du projet de la loi relatif à l'information et à la protection du public en matière d'opérations de crédit, Débats parlementaires, Sénat, J. O., 13 oct. 1976, p. 2695.

40. F. Collart Dutilleul et Ph. Delebeque, op. cit., p. 734, n° 826.

مقررات قانون ۱۹۷۸ عمدتاً از پیشنهادات جالب آقای ژان کله-آلوا (Jean Calais-Auloy) استاد محترم دانشگاه مونپلیه (Montpellier) سرچشمه گرفته اند. نامبرده در مقاله‌ای که در ۱۹۷۵ با عنوان «اصلاحات پنجگانه جهت کاستن خطرات اعتبار برای مصرف‌کنندگان» منتشر کرد،^{۴۱} قانونگذار را دعوت به مداخله نمود. البته، نارسایی‌های آیین‌نامه‌های پیش‌گفته، مواضع غیرعادلانه رویه قضایی ایجاد شده تحت حکومت این آیین‌نامه‌ها، قوانین برخی از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان و آلمان نیز مؤثر در این دخالت بوده‌اند.^{۴۲}

قانون ۱۹۷۸، منشور اعتبارات مصرفی،^{۴۳} یک انقلاب واقعی در این زمینه پدید آورده است. «تنوع مقررات حمایت‌گرانه آن و تأثیری که بر اصول سنتی حقوق تعهدات می‌گذارد حکایت از درستی این ادعا دارد. البته، مقررات مزبور به صورت پیچیده‌ای تدوین یافته‌اند، به طوری که فهم آن برای دست‌اندرکاران حقوق هم به آسانی امکان‌پذیر نیست، چه رسد به مصرف‌کنندگانی که قانون ۱۹۷۸ برای حمایت از منافع آنها طراحی شده و از اطلاعات حقوقی هم بی‌بهره‌اند.»^{۴۴}

محورهای اساسی نظام حمایت‌گرانه قانون ۱۹۷۸ عبارتند از: بالا بردن آگاهی مصرف‌کنندگان اعتبار؛ شناسایی دو گونه مهلت به سود آنها، یکی برای اندیشیدن پیرامون شرایط اعتبار و دیگری برای بازگشتن از تعهدات خود؛ محدود ساختن شروط کیفری، آسان نمودن حل و فصل اختلافات برای مصرف‌کنندگان اعتبار و بویژه مرتبط ساختن سرنوشت قراردادهای اعتبار و قراردادهایی که به کمک

41. Les cinq réformes qui rendraient le crédit moins dangereux pour les consommateurs, D. 1975, Chron., p. 19.

42. J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 321, n° 315.

43. Ibid, p. 321, n° 315.

44. J. Huet, Traité de droit civil (sous la direction de J. Ghestin), Les principaux contrats spéciaux, L. G. D. J., 1996, p. 868, n° 22506.

45. G. Rouhette, Droit de la consommation et théorie générale du contrat, Etudes Rodière, Dalloz, 1981, p. 265; Ph. Malaurie et L. Aynès, op. cit., Obligations, p. 177, n° 325.

آن تأمین مالی می شوند.^{۴۶}

این نظام حمایت‌گرانه از حقوق عام تعهدات فاصله گرفته^{۴۷} و به اصل حاکمیت اراده خدشه وارد نموده است.^{۴۸} اصول دیگری نیز از این حقوق تحت تأثیر آن قرار گرفته اند. برای مثال، قراردادهای اعتبار از جمله قرض به قراردادهای تشریفاتی تبدیل شده اند، چون این قراردادها با تسلیم یک فرم چاپی ایجاب پیشین^{۴۹} توسط اعتبار دهنده به مصرف کننده تشکیل می گردند.^{۵۰} انعقاد، قدرت اجبار کننده و محتوای قراردادهای با شناسایی یک حق انصراف^{۵۱} به سود مصرف کننده تعدیل یافته است،^{۵۲} چرا که او می تواند ظرف مدت یک هفته از تاریخ قبول ایجاب پیشین از تعهد خود برگشته و قرارداد اعتبار را که قبلاً منعقد کرده^{۵۳} رها سازد؛ اصل نسبی بودن قراردادهای هم در نتیجه وابستگی قراردادهای اعتبار و قراردادهایی که تأمین مالی می شود استثنا پذیرفته است.^{۵۴}

46. D. Crémieux-Israël, *Crédit et protection du consommateur*, préf. J. Hémar, *Economica*, 1978, p. 2.

47. *Droit commun des obligations*.

48. P. Godé, *Protection des consommateurs*, R. T. D. Civ. 1978, *Lég.*, p. 437; *Le contrat de consommation, Contribution à l'étude de la condition juridique du consommateur*, Congrès national des huissiers de justice, L. G. D. J., Tours, 1974, p. 113; Y. Guyon, *Rapport de synthèse sur Droit du marché et droit commun des obligations*, R. T. D. Com. 1998, p. 124, n° 7.

49. *Modèles types d'offres préalables de crédit*.

50. P. Godé, *Obs. précitées*, p. 439.

51. *Faculté de rétractation*.

52. N. Chardin, *Le contrat de consommation de crédit et l'autonomie de la volonté*, th. L. G. D. J., 1988, préf. J.-L. Aubert, p. 249, n° 326; J. Ghestin, *op. cit.*, *La formation du contrat*, 3^e éd., 1993, p. 152, n° 175; J. Flour et J.-L. Aubert, *op. cit.*, p. 124, n° 195; J.-P. Pizzio, *La protection des consommateurs par le droit commun des obligations*, R. T. D. Com. 1998, p. 54, n° 3.

53. *Contrat préalablement formé*.

54. N. Chardin, *th. précitée*, p. 246, n° 321; J. Ghestin, *op. cit.*, *La formation du contrat*, 1993, p. 160, n° 180.

وابستگی این قراردادهای که قاعده‌ای تازه و نوآورانه به شمار می‌آید در دل این نظام حمایت‌گرانه جای گرفته است. بی‌تردید، قانون ۱۹۷۸ با ایجاد آن در زمینه اعتبارات مصرفی خواسته است که وابستگی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و اقتصادی قراردادهای مذکور با یک وابستگی حقوقی تکمیل شود، تا به انتظار مصرف‌کننده که در ذهن او قرارداد اعتبار و قرارداد مرتبط با آن یک عمل حقوقی واحد را می‌سازند پایان دهد.^{۵۵}

حمایت از مصرف‌کننده در بخش دیگری از اعتبارات که در حقوق فرانسه اعتبارات غیر منقول (Le crédit immobilier) نامیده می‌شوند توسط قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۹ مربوط به آگاه‌نیدن قرض‌گیرندگان و حمایت از آنها در زمینه اعتبارات غیر منقول به تحقق پیوست.^{۵۶} نظام حمایت‌گرانه این قانون، علی‌رغم تفاوت‌های مسلم، بسیار شبیه به نظام حمایتی قانون ۱۹۷۸ است. قانونگذار فرانسه به لحاظ ویژگی‌ها و تکنیک‌های خاص اعتبارات غیر منقول برتری دارد که قانون ویژه‌ای به آن اختصاص یافته و این اعتبارات از قلمرو قانون ۱۹۷۸ خارج شوند. با وجود این، برخی از حقوقدانان فرانسوی، اعتبارات غیر منقول را به خاطر اهداف مشترک هر دو قانون، یعنی حمایت از مصرف‌کننده، زیر عنوان اعتبارات مصرفی بررسی می‌نمایند.^{۵۷} ولی واقع‌امر این است که اعتبارات غیر منقول را نمی‌توان قسمتی از اعتبارات مصرفی به معنای درست کلمه دانست.^{۵۸} و به همین جهت است که قانون مصرف فرانسه از این نوع اعتبارات به طور جداگانه سخن به میان می‌آورد.

55. D. Martin, La défense du consommateur à crédit, Banque 1978, p. 470; A.-Ch. Dana, La sanction de l'interdépendance, in le droit du crédit au consommateur, Ouvrage collectif sous la direction de I. Fadlallah, 1982, p. 457, n^o 2.

56. D. 1979, III, 48800.

57. F. Collart Dutilleul et Ph. Delebeque, op. cit., p. 734, n^o 862.

58. J. Calais-Auloy, F. Steinmetz, op. cit., p. 309, n^o 298.

همانند قانون ۱۹۷۸، قانون ۱۹۷۹ نیز در نظام حمایت‌گرانه خود، با ایجاد تغییراتی وابستگی میان قراردادهای قرض را که قراردادهای اعتباری هستند و قراردادهایی که به اموال غیر منقول مربوط می‌شوند، پذیرفته است.

بنابراین، ارتباط قراردادهای اعتباری اعطایی به مصرف‌کنندگان از اهمیت فراوانی در حقوق فرانسه برخوردار است. با اشاره به مقررات این اعتبارات در حقوق برخی از کشورهای اروپایی می‌توان بیشتر به اهمیت وابستگی پی برد.

۷. اعتبارات مصرفی در حقوق برخی دیگر از کشورهای اروپایی.

احتمالاً در اروپا، بریتانیا نخستین کشوری است که توانست مقررات نسبتاً جامعی را به اعتبارات مصرفی اختصاص دهد. قانون ۱۹۷۴ این کشور (Consumer Credit Act 1974) که نظام حمایت‌گرانه آن کم و بیش با نظام حمایتی قانون ۱۹۷۸ شباهت دارد مصرف‌کننده اعتبار را از حقوق متنوعی بهره‌مند ساخته است: حق دریافت اطلاعات، حق رها نمودن قرارداد در شرف انعقاد،^{۵۹} حق انصراف از قرارداد پذیرفته شده،^{۶۰} حق استفاده از تشریفات هنگام انعقاد قرارداد.^{۶۱} ولی از همه مهمتر، قانون مذکور، با پیش‌بینی قراردادهای قرض وابسته^{۶۲} و قراردادهای قرض ناوابسته،^{۶۳} ارتباط قراردادهای بیع و قرض را به سود او ایجاد نمود.^{۶۴} مطابق ماده ۵۷ این قانون، چنانچه فروشنده تعهدات خود را ایفا ننماید،

59. Withdrawal from prospective agreement.

60. Cancellation of certain agreements within cooling-off period.

61. J. Voulgaris, Réforme du crédit à la consommation au Royaume-Uni: Le Consumer Credit Act 1974, *Annuaire de législation française et étrangère*, éd. C. N. R. S. 1974, t. 23, p. 57; J. Ravanis, De l'interdépendance dans l'exécution des contrats, in *le droit du crédit au consommateur*, Ouvrage collectif sous la direction de I. Fadlallah, 1982, p. 418, n^o 5.

62. Connected loan.

63. Unconnected loan.

64. J. Le Calvez, Mirages et maléfices de la protection, in *le droit du crédit au consommateur*, Ouvrage collectif sous la direction de I. Fadlallah, 1982, p. 506, n^o 5; John Mickleburg, *Consumer protection*, Professional Books, 1979, p. 46.

مصرف کننده حق مراجعه به قرض دهنده را دارد.^{۶۵} آلمان نیز با چندین سال تأخیر، پس از بریتانیا و فرانسه، تحت تأثیر دستورالعمل اروپایی ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ راجع به اعتبارات مصرفی^{۶۶} (اصلاح شده توسط دستورالعمل ۲۲ فوریه ۱۹۹۰)، به حمایت از مصرف کننده اعتبار شتافت. این حمایت را قانون ۱۷ دسامبر ۱۹۹۰ این کشور پیرامون اعتبارات اعطایی به مصرف کنندگان ایجاد نمود.^{۶۷} در این قانون مقرراتی شبیه به مقررات قانون ۱۹۷۸ فرانسه به چشم می خورد. قانون ۱۹۹۰ همانند همتای فرانسوی خود وابستگی بین قراردادهای اعتبار و قراردادهای فروش و عرضه خدمت را که به کمک آن تأمین مالی می شوند پذیرفت. البته در آلمان، حمایت از مصرف کننده اعتبار در فروش های اعتباری سابقه بسیار طولانی دارد. قانون ۱۶ مه ۱۸۹۴ مربوط به این قراردادهای، حتی قدیمی تر از قانون مدنی آلمان (۱۸۹۶)، از جوانب مختلف به حمایت از خریدار پرداخته بود،^{۶۸} ولی قانون ۱۹۹۰ با نسخ آن، حمایت از مصرف کننده را به گونه ای گسترده در همه قراردادهای اعتبار مصرفی در مقابل صاحبان حرف تأمین نمود.^{۶۹}

در زمان حکومت قانون ۱۸۹۴، وابستگی قراردادهای قرض و بیع در فروش های اعتباری برای حمایت از خریدار به شدت در رویه قضایی و دکترین مطرح شد. رویه قضایی با اعلام استقلال قرض نسبت به بیع در تصمیمات متعدد

۶۵. در حقوق آمریکا نیز به لحاظ وجود روابط تجارنی بین فروشندگان و مؤسسات اعتباری، کمیسیون فدرال امریکایی تجارت، با تصویب مقرراتی در ۱۹۷۶ تصمیم گرفته است: چنانچه خریدار کیفیت کالا را نامطلوب بیابد می تواند به مؤسسه اعتباری جهت مطالبه اقساط پرداخت شده مراجعه نماید:

J. Ravanas, Article précité, p. 418, n^o 5.

66. Directive (CEE) n^o 87-102 du Conseil du 22 déc. 1986, relative au rapprochement des dispositions législatives, réglementaires et administratives, des Etats membres en matière du crédit à la consommation, Code européen des affaires, 1^{re} éd., Dalloz, 1995, p. 756.

67. M. Pédamon, La contrat en droit allemand, L. G. D. J., Paris, 1993, p. 47.

68. B. Stauder, La vente à tempérament et son financement dans le marché commun, t. III, Le droit allemand, Bruxelles, 1977, p. 327.

69. Michel Pédamon, op. cit., p. 47.

خود، این وابستگی را نپذیرفت،^{۷۰} هرچند که در برخی موارد، مثلاً هنگامی که فروشنده به نمایندگی از طرف قرض دهنده جهت انعقاد قرارداد قرض اقدام می‌کرد، به وابستگی حکم داد.^{۷۱} دیدگاه‌های علمای حقوق در این خصوص متفاوت بود. اکثریتی موافق استقلال قرارداد قرض و اقلیتی مخالف آن بودند. مفاهیم و نظریه‌های حقوقی که برای توجیه وابستگی توسط اقلیت و گاهی توسط اکثریت پیشنهاد می‌شد^{۷۲} بسیار نوآورانه و متنوع بود.^{۷۳} قانون ۱۹۹۰ با شناسایی وابستگی، همانند قانون ۱۹۷۸، موضع رویه قضایی را در هم شکست و به اختلافات دگرترین پایان داد.

سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپایی (بلژیک، لوکزامبورگ، ایتالیا، اسپانیا...) همانند آلمان موظف بوده‌اند که تا اول ژانویه ۱۹۹۰ اقدامات لازم را برای هماهنگ نمودن خود با مندرجات دستورالعمل ۱۹۸۶ معمول دارند (ماده ۱۶ دستورالعمل). بنابراین، می‌بایست تاکنون با توجه به این دستورالعمل حمایت از مصرف‌کنندگان خود را در مقابل خطرات اعتبارات مصرفی عملی ساخته باشند. دستورالعمل مذکور که از مقررات کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ویژه قانون ۱۹۷۸ فرانسه الهام گرفته در سطح محدودی حمایت مصرف‌کننده اعتبار را تأمین نموده است. ولی کشورهای عضو را از تدوین مقررات حمایت‌گرا تر به سود او منع نمی‌نماید. در این دستورالعمل پیش‌بینی شده است که در صورت عدم اجرای

70. K.-H. Neumayer, La vente à crédit en droit allemand, Rev. internal. dr. comparé, 1973, p. 4.

71. B. Stauder, op. cit., p. 178, n^o 209, p. 198, n^o 244, p. 236, n^o 320.

72. Ibid, p. 171 et s, n^{os} 194 et s.

۷۳. «نظریه هدف تحقق نیافته» (Théorie du but non atteint) بیش از مفاهیم و نظریه‌های دیگر با استقبال مواجه شد. مطابق این نظریه، در اذهان کلیه طرف‌های فروش اعتباری (خریدار، فروشنده، قرض دهنده)، قرارداد قرض به منظور تحقق قرارداد بیع منعقد می‌گردد. بنابراین، چنانچه بیع که هدف قرض را تشکیل می‌دهد مثلاً در نتیجه فسخ آن ناپدید گردد، قرض نیز که بدین ترتیب مراد خود را از دست داده است از این وضعیت تأثیر می‌پذیرد:

Ibid, p. 175, n^o 204, p. 203, n^o 249, p. 239, n^o 326.

قرارداد بیع و یا قرارداد عرضه خدمت، مصرف کننده با رعایت شرایطی حق اقامه دعوی علیه اعتبار دهنده را دارد (ماده ۲-۱۱ دستورالعمل).^{۷۲}

تأثیر دستورالعمل ۱۹۸۶ در فرانسه ناچیز بوده و فقط تغییرات جزئی را در قانون ۱۹۷۸ باعث شده است، چون این کشور با تدوین قانون مصرف، جایگاه رفیعی برای مصرف کننده اعتبار در نظر گرفته و بیش از هر عضو دیگر اتحادیه اروپایی در حمایت از وی کوشیده است.^{۷۳}

۸. قانون مصرف. این قانون از رخدادهای تازه حقوق فرانسه به شمار می آید. در ۱۹۸۲، وزیر مصرف این کشور، خانم کاترین لالومییر (Catherine Lalumière)، کمیسیون بازنگری حقوق مصرف^{۷۴} را تشکیل و به آن مأموریت داد^{۷۵} تا به مقررات گوناگون، مشکل و ناهماهنگی که در حمایت از مصرف کننده به تدریج به تصویب رسیده بود سر و سامان بدهد و در رفع پیچیدگی آنها بکوشد و در حد امکان آنها را ساده، یکنواخت، قابل دسترس و کارآتر نماید.^{۷۶} این کمیسیون که به ریاست استاد گله-آلوا (Calais-Auloy) فعالیت خود

74. J. Calais-Auloy, F. Steinmetz, op. cit., p. 321, n° 315; J.-P. Pizzio, Droit de la consommation, Rép. dr. com., Encycl. Dalloz, II, 31 août 1987, p. 92, n° 952; V. Christianos et F. Picod, Consommateur, Rép. dr. Communautaire, Encycl. Dalloz, Avril 1996, p. 23, n° 180, p. 27, n° 208.

75. F. Collart Dutilleul et Ph. Defebegue, op. cit., p. 734, n° 862.

76. Commission de refonte du droit de la consommation.

77. این کمیسیون براساس آیین نامه ۲۵ فوریه ۱۹۸۲ که به امضای وزیر مصرف و وزیر دادگستری وقت فرانسه رسید ایجاد گردید. ولی کار خود را زودتر از دسامبر ۱۹۸۱ آغاز نمود:

J. Calais-Auloy, Propositions pour un nouveau droit de la consommation, La Documentation française, Avril 1985, p. 12.

78. Ibid, p. 3; J. Calais-Auloy, Vers un nouveau droit de la consommation, La Documentation française, Juin 1984, p. 3; J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 28, n° 34.

را آغاز نمود چهار گزارش مهم ارائه داد.^{۷۹} کمیسیون مزبور به سومین گزارش جامع خود متن واحد و یکنواختی را با عنوان قانون مصرف بالغ بر ۳۲۶ ماده ضمیمه و پیشنهاد کرد که این متن جایگزین مقررات موجود گردد.^{۸۰} این پروژه^{۸۱} که کاری علمی و نوآورانه ارزیابی گردید^{۸۲} اساساً درباره روابط صاحبان حرف^{۸۳} و مصرف کنندگان^{۸۴} قابل اجرا بود. ولی متأسفانه آنچه به تصویب رسید چیزی جز آن بود. در واقع، مشکلات تصویب پروژه‌ای به این گستردگی باعث شد که دولت وقت راه حل پیش یا افتاده‌ای را اتخاذ نماید: جمع‌شمار قابل توجهی از متون حقوقی موجود در زمینه حمایت از مصرف کننده در قالب یک مجموعه به نام قانون مصرف.^{۸۵}

در نتیجه، این قانون همان کمبودها و مشکلات متون حقوقی سابق را که دارای قلمرو اجرایی متفاوت بودند باز می‌تاباند، چنانکه صاحبان حرف همانند مصرف کنندگان کماکان مشمول بعضی از مواد قانون مصرف می‌باشند. افزون بر این، قانون مصرف علی‌رغم حجم زیاد مقررات خود به تعریف مفاهیم اساسی همچون مصرف کننده یا قرارداد مصرف نمی‌پردازد. با وجود این، نباید تصویب این قانون را کاری بی‌اهمیت تلقی نمود، صرف نظر از این که وسیله خوبی برای پژوهش در حقوق مصرف می‌باشد، استقلال این حقوق را به عنوان یکی از

۷۹. نخستین گزارش منتشر نشد ولی سه گزارش دیگر توسط مرکز اسناد فرانسه به چاپ رسید:

J. Calais-Auloy, op. cit., Juin 1984; op. cit., Avril 1985; Propositions pour un code de la consommation, La documentation française, 1990, cité par J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 28, n^o 34.

80. J. Calais-Auloy, op. cit., Propositions..., p. 147.

۸۱. در خصوص این پروژه رک:

J.-P. Pizzio, Article précité, Droit de la consommation, n^{os} 385 et s., n^{os} 1163 et s.

82. J. Carbonnier, op. cit., p. 22, n^o 6.

83. Professionnels.

84. Consommateurs.

85. J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 28, n^o 34.

شاخه‌های جدید دانش حقوق مطرح می‌سازد.^{۸۶}

قانون مصرف دو بخش دارد. بخش نخست آن که در برگیرنده متون قانونی (Partie législative) است در ۱۹۹۳^{۸۷} و بخش دوم که حاوی آیین‌نامه‌های اجرایی (Partie réglementaire) آن می‌باشد در ۱۹۹۷^{۸۸} تدوین یافت. هرکدام از این دو بخش به پنج کتاب (Livre) تقسیم شده است: ۱) اطلاع‌رسانی به مصرف‌کنندگان و انعقاد قراردادها؛^{۸۹} ۲) مطابقت و ایمنی تولیدات و خدمات؛^{۹۰} ۳) بدهکاری؛^{۹۱} ۴) انجمن‌های مصرف‌کنندگان؛^{۹۲} ۵) نهادها.^{۹۳} مقررات قوانین و آیین‌نامه‌های مذکور با توجه به این تقسیم‌بندی در بخش مربوط به خود جای گرفته‌اند.^{۹۴}

برهمن اساس، قانون ۱۹۷۸ راجع به اعتبارات مصرفی و قانون ۱۹۷۹

86. J. Carbonnier, op. cit., p. 22, n° 6; B. Starck, H. Roland, L. Boyer, op. cit., p. 17, n° 45-3; D. Bureau, Remarques sur la codification du droit de la consommation, D. 1994, Ch., p. 297, n° 31.

۸۷. قانون تدوین‌کننده بخش نخست:

Loi du 26 juill. 1993 relative au Code de la consommation (Partie législative).

۸۸. آیین‌نامه تدوین‌کننده بخش دوم:

Le décret du 27 mars 1997 relatif au Code de la consommation (Partie réglementaire), J. O., 3 Avril 1997.

89. Information des consommateurs et formation des contrats.

90. Conformité et sécurité des produits et des services.

91. Endettement.

92. Associations de consommateurs.

93. Institutions.

۹۴. قانون مصرف از دو پیوست نیز برخوردار است: در پیوست نخست (Annexes) برخی متون مستقل و تکنیکی مورد نیاز دست‌اندرکاران حقوق مصرف جمع شده‌اند (حقوق بین‌الملل و حقوق اروپایی، صلاحیت و آیین دادرسی، توصیه‌نامه‌های کمیسیون شروط تحمیلی). در پیوست دوم (Appendice) قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با حمایت از مصرف‌کنندگان که در ترکیب و ساختار قانون مصرف وارد نشده، گردآمده‌اند.

مربوط به اعتبارات غیر منقول که در حقوق فرانسه به قوانین سکریونر (Scrivener)^{۹۵} شهرت یافته اند در کتاب سوم بخش نخست قرار گرفته و باب اول (Titre premier) آن را با عنوان اعتبار (Crédit) تشکیل می دهند. این باب مشتمل بر سه فصل (Chapitre) است: ۱) اعتبارات مصرفی (قانون ۱۹۷۸): ۲) اعتبارات غیر منقول (قانون ۱۹۷۹): ۳) مقررات مشترک (قوانین ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ و قانون ۲۸ دسامبر ۱۹۶۶ راجع به ربا).^{۹۶} همچنین، مقررات آیین نامه های اجرایی قوانین مذکور به نحوی کاملاً مشابه در کتاب دوم وارد شده اند. بدین ترتیب، مواد حاکم بر وابستگی قراردادهای هم با شماره گذاری^{۹۷} تازه به قانون مصرف راه یافته اند. لذا، از این پس در طرح قواعد وابستگی مستقیماً به این قانون و مواد آن اشاره و در صورت لزوم شماره های سابق این مواد نیز ذکر خواهد شد. قانون مصرف با پذیرش وابستگی قراردادهای در دل خود گروههای قراردادی اعتباری را به رسمیت شناخته است.

۹. گروههای قراردادی اعتباری در قانون مصرف. وابستگی قراردادهای

در زمینه اعتبارات مصرفی، دقیقاً وابستگی میان قراردادی است که تأمین مالی

۹۵. خانم سکریونر مبتکر این دو قانون و وزیر مصرف وقت فرانسه بوده است.

96. La loi du 28 déc. 1966 relative à l'usure: J. Huet, op. cit., p. 894, n° 22532.

۹۷. شماره گذاری مواد در بخش اول و دوم قانون مصرف از یک سیستم واحد تبعیت می کند. منتها، در بخش نخست شماره ها با حرف ال (L.) و در بخش دوم با حرف ار (R.) یا د (D.) شروع می شوند. نمونه هایی را از هر دو بخش در باب اعتبار می آوریم:

ماده ۱-۳۱۱-ال (Article-L. 311-1): در شماره این ماده حرف ال (L.)، حرف اول واژه لژیسلیتیو (Législative) به معنی مصوبات منتسب به پارلمان است. و رقم ۱-۳۱۱ نشانگر از راست به چپ، ماده یکم فصل یکم باب یکم کتاب سوم می باشد.

ماده ۱-۳۱۱-د (Article D. 311-1): در شماره این ماده حرف د (D.)، حرف اول واژه عبارت دکرسمپل (Décret simple) به معنی آیین نامه ساده است. و رقم ۱-۳۱۱ به ترتیب مذکور در فوق تعیین شده است.

ماده ۴-۳۱۱-ار (Article R. 311-4): در شماره این ماده حرف ار (R.)، حرف اول واژه رگلمانتیر (Réglementaire) به معنی مصوبات منتسب به قوه مجریه است که برای آیین نامه های شورای دولتی (Décrets en conseil d'Etat) در نظر گرفته شده است.

می نماید و قراردادی که تأمین مالی می شود. قانون مصرف برای قرارداد اول اصطلاح قرارداد اعتبار (Contrat de crédit) و برای قرارداد دوم اصطلاح قرارداد اصلی را (Contrat principal) برگزیده است. این دو قرارداد از عناصر مهم یک گروه قراردادی هستند که می توان آن را گروه قراردادی اعتباری نامید، چون الزاماً یکی از قراردادهای تشکیل دهنده آن قرارداد اعتبار است.

از دید قانون مصرف، قرارداد اعتبار قراردادی است که رسالت و عملکرد اقتصادی دارد؛ عنوانی است که قراردادهای با ماهیت حقوقی متفاوت را، صرفاً به خاطر این که در برگیرنده اعتبار بوده، می پوشاند. نمونه بارز و متداول آن قرارداد قرض است. از نمونه های دیگر آن فروش و عرضه خدمت اعتباری و اجاره به شرط تملیک می باشد. در همه این قراردادهای، قرض گیرنده، خریدار، دریافت کننده خدمت و مستأجر، استفاده کننده اعتبار هستند، زیرا برای انجام تعهدات خود از مهلت های معینی برخوردارند، در حالی که طرف قراردادی آنها موضوع تعهد خود را فوراً انجام می دهد. به سخنی روشن تر و کوتاه، اعطای مهلت یعنی اعطای اعتبار. در واقع، قرارداد اعتبار دارای یک مفهوم و ماهیت مشخص حقوقی نیست؛ یک مفهوم اقتصادی است که همانند اصطلاحات مصرف و مصرف کننده از دانش اقتصاد به حقوق راه یافته و امروز توسط قوانین به کار گرفته می شود.⁹⁸

دو نوع قرارداد اعتبار وجود دارد: اعتبار وابسته و اعتبار "ناوابسته". اعتبار وابسته قراردادی است که الزاماً به قرارداد دیگری مرتبط است و مصرف کننده در استفاده از آن آزاد نیست و باید آن را به تأمین مالی این قرارداد اختصاص دهد. قراردادی که به خاطر آن اعتبار تحصیل شده همان قرارداد اصلی است که می تواند برای مثال بیع باشد. در این صورت، خریدار اعتبار گیرنده، مبلغ اعتبار را فقط برای

98. J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 309, n^o 298, p. 310, n^o 300; F. Collart Dutilleul et Ph. Delebeque, op. cit., p. 697, n^o 827, p. 735, n^o 864; D. Schmidt et Ph. Gramling, Commentaire de la loi du 10 janv. 1978, La Documentation organique, Paris, 1978, p. 15, n^o 25

99. Crédit lié ou affecté.

100. Crédit non lié ou non affecté.

تحصیل مبیع مصرف خواهد نمود. اما اعتبار ناوابسته قراردادی است که سرنوشت آن به هیچ قراردادی گره نخورده و مصرف کننده می تواند با توجه به سلائق و نیازهای خود آن را به کار برد. پس، قراردادی است کاملاً مستقل. برای نمونه، می توان به قرض شخصی^{۱۱۱} اشاره کرد. در این قرارداد قرض گیرنده، با دریافت مبلغ قرض می تواند آن را برای هزینه سفر یا برای دستیابی به کالای مورد نیاز خود یا رفع هر نوع احتیاج دیگر مصرف نماید. و به همین دلیل است که این گونه قرض، «شخصی» توصیف شده است.^{۱۱۲}

در اعتبارات غیر منقول، قانون مصرف اساساً قراردادهای اعتبار وابسته را پیش بینی نموده، چون اعتبارات اعطایی به مصرف کننده برای تأمین مالی خرید، ساخت، تعمیر، بهبود و نگهداری اماکن مسکونی یا مسکونی-حرفه ای و حتی خرید زمین تخصیص می یابد. بنابراین قرارداد اعتبار (قرض غیر منقول)^{۱۱۳} با قرارداد غیر منقول^{۱۱۴} (قرارداد اصلی)، برای مثال قرارداد بیع یا ساخت، در ارتباط می باشد. قانون مصرف این وابستگی را در چند ماده تنظیم نموده است: وابستگی قرض به قرارداد اصلی در مواد ۱۲-۳۱۲-ال و ۱۹-۳۱۲-ال و به عکس وابستگی قرارداد اصلی به قرض در مواد ۱۶-۳۱۲-ال و ۳۰-۳۱۲-ال. قانون مصرف از این هم فراتر رفته، سرنوشت قرض را به قرارداد بیمه در ماده ۹-۳۱۲-ال و به سایر قراردادهای قرض، هنگامی که قرض گیرنده برای عملی ساختن معامله مورد نظر خود به چندین قرض رو می آورد، در ماده ۱۳-۳۱۲-ال گره زده است.^{۱۱۵}

بررسی وابستگی قراردادهای مزبور در حوصله این نوشتار نیست و فرصت

101. Prêt personnel.

102. M. Vasseur, op. cit., p. 1104; J. Calais-Auloy et F. Steinmetz, op. cit., p. 311, n^o 301; D. Schmidt et Ph. Gramling, op. cit., p. 18, n^o 32; G. Ripert et R. Roblot, op. cit., p. 521, n^o 2429-1.

103. Prêt immobilier.

104. Contrat immobilier.

105. J. Roche-Dahan, Le domaine d'application des lois Scrivener, R. T. D. Com. 1996, p. 5.

دیگری می‌طلبد. حجم زیاد مطالب و ویژگی‌های خاص مقررات حاکم بر وابستگی ما را از طرح آن در اینجا منصرف نمود. در ضمن، ارتباط قراردادهای در این زمینه، هرچند مهم و بسیار درخور تحقیق، کاملاً تازگی ندارد. پیش از تصویب قانون ۱۹۷۹ مربوط به اعتبارات غیر منقول، مقرراتی در زمینه وابستگی وجود داشته که توسط این قانون ملغی شده‌اند.^{۱۰۶} اما آنچه اصالت داشته و حاوی نوآوری است، به همان ترتیبی که پیش‌تر دیدیم، وابستگی قراردادهای در زمینه اعتبارات مصرفی است که از تحولات مهم حقوق فرانسه به شمار می‌آید. لذا، شایسته است که مطالب این نوشتار به همین نوع وابستگی محدود گردد.

قانون مصرف در مقررات مربوط به اعتبارات مصرفی، وابستگی قراردادهای را زیر عنوان اعتبارات وابسته (Les crédits affectés) مطرح نموده و مواد ۲۰-۳۱۱-ال تا ۲۸-۳۱۱-ال (مواد ۹ تا ۱۶ قانون ۱۹۷۸) را به آن اختصاص داده است. این مواد ارتباط قرارداد اعتبار و قرارداد اصلی را در سطوح مختلف انعقاد، اجرا و انحلال به وجود آورده‌اند.^{۱۰۷} مواد ۲۰-۳۱۱-ال تا ۲۲-۳۱۱-ال سرنوشت قرارداد اول را به دوم و مواد ۲۳-۳۱۱-ال تا ۲۸-۳۱۱-ال سرنوشت قرارداد دوم را به اول پیوند زده‌اند. بدین ترتیب، قرارداد اصلی و قرارداد اعتبار مرتبط با آن یک گروه قراردادی اعتباری ایجاد می‌نمایند.

برای بررسی وابستگی قراردادهای، نخست باید روشن سازیم چه گروه‌هایی مشمول این وابستگی و چه گروه‌هایی از آن مستثنی هستند، چون تا این امر احراز نشود، امکان اجرای نظام حقوقی ویژه حاکم بر وابستگی وجود ندارد. مواد مربوط به مقررات اعتبارات مصرفی، به ویژه مواد ۱-۳۱۱-ال تا ۳-۳۱۱-ال، ما را در تعیین گستره وابستگی یاری خواهند داد. سپس باید اشکال مختلف وابستگی

۱۰۶. مثلاً قانون ۳ ژانویه ۱۹۶۷ سرنوشت قرارداد ساخت را به قراردادهای قرضی که آن را تأمین مالی می‌نمایند، براساس شرط فاسخ (condition résolutoire) پیوند زده بود:

G. Raymond, La protection du consommateur dans les opérations de crédit, G. P. 1978, Doct., p. 561.

107. R. Houin et M. Pédamon, Droit commercial, 9^e éd., Dalloz, 1990, 522, n^o 43.

قراردادهای تشکیل دهنده گروه قراردادی اعتباری را نشان داده و پیآمدهای تأثیر آنها را بر یکدیگر ترسیم نماییم. برای مثال مطرح سازیم که عدم اجرای قرارداد اصلی چه بازتابی در قرارداد اعتبار دارد یا عدم انعقاد این قرارداد چه تأثیری بر قرارداد اصلی می‌گذارد.

بی‌گمان، بررسی وابستگی به نحو مطلوب مستلزم این است که از مطالعات وسیع‌دکترین و تصمیمات رویه قضایی در این خصوص بهره ببریم و به کمک آن، قواعد حاکم بر وابستگی را کاملاً مورد ارزیابی قراردادها و ارزش آنها را نسبت به طرفهای گروههای قراردادی اعتباری معلوم سازیم. بنابراین، برای دستیابی به این مهم ضرورت دارد که پی‌درپی، گستره وابستگی قراردادهای (بخش نخست) و چگونگی وابستگی قراردادهای (بخش دوم) مورد مطالعه واقع شود.*

*. مانده این نوشتار در شماره آینده مجله خواهد آمد.